

دیگری، در حاشیه است و چندان محور سریال‌ها قرار نمی‌گیرد. اما یکی از نکاتی که در «جناب‌عالی» برای من جالب بود این بود که انگار شما مسیر عکس را در پیش گرفتید. یعنی در قسمت‌های اول به طور خاص تا جایی که پای امیر علی به وزار تخانه باز می‌شود نقش روابط خانوادگی پررنگ‌تر است. ما زمان قابل توجهی با حضور امیر علی در کنار خانواده‌اش یا در کنار دختر مورد علاقه‌اش روبه‌رو مییم. نقشی که این روابط دارند بیشتر در حد انگیزه‌دادن به امیر علی برای پیدا کردن کار است. ولی وقتی پای وزار تخانه وسط می‌آید، نقش این روابط کم‌رنگ‌تر می‌شود. یعنی این تغییری که وجود داشت و پررنگ‌تر شدن روابط کاری در وزار تخانه، نکته‌ای بود که با عمده کم‌دی‌های تلویزیونی تفاوت داشت. کاملاً همین است. اولاً زاویه نگاه برای من مهم بود. فکر می‌کنم از وقتی کاراکتر محوری و قهرمان از تلویزیون - و حتی از سینمای ایران - رخت بر بسته، ساخت فیلم‌ها و سریال‌های شلوغ با زوایای دید مختلف مد شده است. من الآن کاری به درست یا غلط این امر ندارم. اما حتی در فیلم‌های اجتماعی می‌بینیم که یک خانواده به چالش کشیده می‌شود. همین‌طور در فیلم‌های کم‌دی و سریال تلویزیون. در این موارد دوربین درون یک خانواده می‌چرخد. اما برای من به چالش کشیدن یک انسان (یک کاراکتر محوری) مهم بود: چه در بستر خانواده،

چه در بستر رابطه شخصی‌اش و حالا چه در بستر سیاست. شاید با کاراکترهای متعدد می‌شد کم‌دی بهتری هم خلق کرد. اما از این قضیه فرار کردم. سعی من بر این بود که با امیر علی عالی به عنوان یک انسان سلامت، خلاق و با ایده همراه شویم.

آیا در مرحله طراحی داستان یا نوشتن فیلمنامه، ایده‌ای بود که در ذهن داشته باشید - چه در فیلمنامه آمده باشد و چه قبل از آن حذف شده باشد - و به هر دلیلی مجبور شده باشید یا تصمیم گرفته باشید آن را کنار بگذارید؟ منظور من در حد یک یا دو سکانس نیست. منظورم یک ایده داستانی به طور کامل است. موردی بوده که - مثلاً - خودتان به احتمال حساسیت‌زا بودن آن فکر کنید و به این دلیل کنارش بگذارید؟

صد در صد. البته اولاً باید واقعاً تشکری از آقای رضوانی داشته باشم. در همان مرحله نوشتن فیلمنامه «جناب‌عالی» خیلی از ایده‌ها را که با تهیه‌کننده مطرح می‌کردم پیش خودم می‌گفتم الآن می‌گوید این سکانس را ننویسم چون حساسیت‌زا است. اما آن قدر تهیه‌کننده پشت نگاه من ایستاد و از من حمایت کرد که می‌توانم بگویم از لحاظ ذهنی خیلی به من کمک کرد تا بتوانم (تا جایی که می‌شد) کمی جسورانه در این سریال حرف بزنم. اما قطعاً محدودیت داشتیم. اگر می‌شد با نگاه بازتری کار کرد، هم این امکان وجود داشت که کم‌دی بهتری شکل بگیرد و هم چالشی‌تر شود. قطعاً

در این شکل از فیلمنامه‌ها، محدودیت‌هایی وجود دارد که گریبان‌گیر فیلمساز می‌شود.

یعنی الآن قسمتی از سریال هست که خودتان فکر کنید به خاطر این تغییرات ضربه خورده است؟ در حذفاتی که بعد از ساخت انجام گرفته؟

چه در مورد آن حذفیات و چه مواردی که در مرحله نگارش فیلمنامه حذف کردید.

حذفیات بعد از ساخت را که کنار بگذاریم، اولاً این نکته خیلی مهم است (چون به نگارش و تولید ربط مستقیم دارد) که «جناب‌عالی» با بودجه بسیار محدودی ساخته شد. کل بودجه «جناب‌عالی» شاید به اندازه پول یک قسمت از برخی از سریال‌های نمایش خانگی ساخته شد. کل سریال را در ۴۹ یا ۵۰ قسمت فیلمبرداری کردیم - آن هم تک‌دوربین. اما با پتانسیلی که از لحاظ مادی داشتیم و با توجه به شرایط فکری و روحی خودم، فکر می‌کنم به عنوان شروع یک کم‌دی سیاسی - اجتماعی، خودم از کار راضی هستم. این طوری نیست که خیلی ناراحت باشم و بگویم «کاش می‌توانستم فلان کار را بکنم». فکر می‌کنم استارت خوبی است که کاری تولید کنیم که بدون جناح‌گیری سیاسی حرف مردم را بزنیم. شاید اگر یک مسئول این سریال را ببیند، جور دیگری تلنگر بخورد. شاید حسرت من یک سری از حذفیات باشد که بعد از تولید رخ داد نه مواردی که در هنگام تولید اتفاق افتاد.



در همان مرحله نوشتن فیلمنامه «جناب‌عالی» خیلی از ایده‌ها را که با تهیه‌کننده مطرح می‌کردم پیش خودم می‌گفتم الآن می‌گوید این سکانس را ننویسم چون حساسیت‌زا است



مترجم: آریا: بایرنا سهند